

به مناسب بزرگداشت مقام معلم و شهادت استاد مطهری؛ روایت‌هایی از معلمان فداکار را بازخوانی کرده‌ایم

روایت فداکاری

معلمی از آن دست شغل‌هایی است که پایه و اساس

آن بر مبنای فداکاری شکل گرفته و اغلب معلم‌ها هم

مانند شمع درخشانی هستند که در این مسیر از عمق

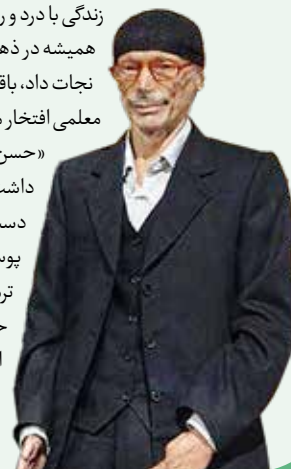
جان خود روشنائی می‌بخشند و در مسیر انسان‌سازی و ارتقای اجتماعی تلاش می‌کنند. در این میان اما برخی از معلم‌ها بوده‌اند که فداکاری‌هایشان عمیق‌تر و جدی‌تر بوده، یاد و نام‌شان نه فقط برای شاگردان خودشان، بلکه برای همه مردم ایران جاودان شده و کلاس درس انسانیت را نه فقط برای بچه‌مدرسه‌ای‌ها، بلکه به وسعت کشور و چه بسا به وسعت دنیا برپا کرده‌اند. به بهانه سالگرد شهادت استاد و معلم بزرگ شهید مرتضی مطهری و روز معلم چند روایت از معلمان فداکار را بازخوانی کرده‌ایم تا ارزش و جایگاه معلم‌ها را در زندگی مان روشن‌تر ببینیم.

مریم زاهدی

خبرنگار چار دیواری

حسن امیدزاده اوج فداکاری یک انسان

ساعت ۱۱ شنبه ۱۸ بهمن سال ۷۶ بخاری نفتی کلاس دانش آموزان دوم دبستان بجارسر شهرستان شفت از توابع استان گیلان آتش گرفت؛ حسن امیدزاده، معلم دانش آموزان کلاس پنجمی زودتر از بقیه معلمان متوجه این آتش سوزی شد و خود را به کلاس دوم دبستانی رساند. بخاری کلاس درست جلوی در، آتش گرفته بود و امکان خروج دانش آموزان وجود نداشت. ۳۰ دانش آموز دوم دبستانی در حالی که به شدت ترسیده بودند، کمک می‌خواستند. کمک کم معلمان دیگر نیز متوجه این حادثه شدند و به کمک آقای امیدزاده شتافتند اما پس از نجات ۳۰ دانش آموز متوجه شدند، سر، صورت و دست‌های آقای معلم به شدت سوخته است. آقای امیدزاده پس از نجات همه دانش آموزان خودش در آتش گیر می‌کند و نمی‌توانند او را نجات دهند، گوش، سر، بینی و بدن آقای امیدزاده به شدت دچار سوختگی شده بود. این معلم دیگر نتوانست به مدرسه برگردد، انگشت‌های دست راستش قطع شده بود و امکان این‌که بتواند دوباره در کلاس درس حضور یابد، خیلی سخت بود. آقای امیدزاده ۱۵ سال با رنج و درد سوختگی زندگی کرد. در نهایت نیز ۲۸ تیر سال ۱۳۹۱، بعد از سال‌ها زندگی با درد و رنج سوختگی، چشم از جهان فروبست اما یاد و نامش همیشه در ذهن دانش‌آموزانی که فداکارانه آنها را از شعله‌های آتش نجات داد، باقی خواهد ماند؛ همچنان که یک ایران به وجود چنین معلمی افتخار می‌کنند. رقیه دخت، همسر مرحوم امیدزاده می‌گوید: «حسن آقا همیشه درد داشت؛ چراکه ۹۵ درصد سوختگی داشت و تمام بدنش و صورتش سوخته بود؛ پنج انگشت دست راستش قطع شده بود. فقط باهایش سالم بود که از پوست کشاله ران تا مچ پا گرفته بودند و بینی و گوش او را ترمیم کرده بودند.» همسر آقای امیدزاده می‌گوید با وجود حادثه‌ای که برای شوهرش اتفاق افتاده اما او هیچ‌گاه از این‌که فداکاری انجام داده، گله‌ای نکرده و همیشه از این‌که توانسته آنچه را وظیفه‌اش بود، انجام دهد، خدا را شاکر بود و می‌گفت «و جانم راحت است».



کلاس درس میلیونی معلم مریوانی

معلم مریوانی و ماجرای تراشیدن موهای سر برای همراهی با دانش آموز بیمارش حدود ۱۰ سال پیش توانست تلنگری جدی به جامعه وارد کند و قدرت یک معلم و یک کلاس ۲۴ نفره‌اش را برای تاثیرگذاری در سطح ملی و حتی جهانی به رخ بکشد. محمدعلی محمدیان، معلم کلاس دوم دبستان شیخ شلتوت شهر مریوان در سال تحصیلی جدید با دانش‌آموزی متفاوت مواجه شد. پسری به نام ماهان که به خاطر یک بیماری مو نداشت و گاهی از سوی هم‌کلاسی‌هایش مورد تمسخر قرار می‌گرفت.

این مسأله آقا معلم را رنج می‌داد و به دنبال راهی بود تا هم ماهان کمتر اذیت بشود و هم بچه‌های کلاس درس بگیرند که نباید با کسی که مشکلی دارد، این‌گونه رفتار کنند. تا این‌که آقا معلم تصمیم می‌گیرد موهایش را بزند تا شبیه ماهان شود!

آقای محمدیان خودش ماجرا را این‌گونه روایت



می‌کند: «تصمیم گرفتم یک کاری بکنم که بچه‌ها اذیت نشوند. به همین خاطر هم رفتم خانه و ماشین موژی را برداشتم تا موهایم را بزنم. اول که می‌خواستم موهایم را بزنم تردید داشتم که این کار درستی است یا نه؟ من ۲۴ دانش‌آموز دارم که ۲۳ نفر از آنان دوست داشتند آموزگارشان ظاهر آراسته‌ای داشته باشد اما ماهان هم هست و گناه دارد که اذیت شود و رنج بکشد. در همین گیر و دار بودم که یک لحظه چهره ماهان را در آینه دیدم که به من می‌گفت «آموزگار موهای سرت را بزن». در نهایت هم ماهان پیروز شد و من موهای سرم را زدم.»

بعد از این ماجرا کم‌بقیه بچه‌ها هم با آقا معلم و ماهان همراه شدند و موهایشان را زدند. آقا معلم که در فضای مجازی هم فعال است تصاویر کلاس درس و ماجرای ماهان را در فضای مجازی به اشتراک گذاشت و این‌گونه شد که کلاس درس این معلم مریوانی میلیونی شد.

معلمی ایرانی به شهرت جهانی

بعضی از معلم‌های ایرانی شهرتی جهانی دارند، مانند ثریا مطهرنیا که یکی از ۱۰ فینالیست بهترین معلمان جهان است. این معلم بیجاری در سال ۲۰۲۱ از بین ۱۲۱ کشور و کاندید شدن بالغ بر ۸۰۰ معلم از سراسر دنیا، در لیست ۱۰ نفر برتر آنها قرار گرفت. بنیاد وارکی هرساله با همکاری یونسکو از کل دنیا سعی دارد که بهترین معلم را شناسایی و معرفی کند. لازم به ذکر است که پیش از خانم مطهرنیا از شهرستان بیجار استان کردستان، فردوس حاجیان که بسیاری از کودکان دهه ۸۰ او را به نام عمو فردوس می‌شناسند، نامزد جایزه جهانی بهترین معلم در سال ۱۳۹۵ بود. ماجرای خانم مطهرنیا هم از یکی از دانش‌آموزانش به نام سارا آغاز می‌شود. وی خودش قصه‌اش را این‌گونه روایت می‌کند: «دختر بچه‌ای در مدرسه ما بود که در شش، هفت ماهگی دچار سوختگی بسیار شدیدی شده بود. سارا بچه بسیار زرنگ و

باهوشی بود اما هفت انگشتش به‌طور کامل قطع شده، صورتش به شدت آسیب دیده و یکی از چشم‌هایش در آستانه نابینایی بود. من خانواده سارا را متقاعد کردم تا همزمان با تحصیل خودم در تهران کارهای درمان او را هم پیگیری کنم.» خانم مطهرنیا که دکترای دارد اما ترجیح داده همچنان در روستاها خدمت کند، می‌گوید: «از اولین روزی که من معلم شدم تمام سنوات خدمتی‌ام در روستاها بوده؛ روستاهای صعب‌العبور و بسیار محروم و مشکلات زیادی وجود داشته است اما من سعی کردم فقط تماشاگر مشکلات نباشم و تلاش کنم تا گرهی را باز کنم حتی به سختی.» ثریا مطهرنیا معلم بیجاری تحصیلکرده مدیریت دولتی، آموزش ابتدایی، مدیریت آموزشی، علوم سیاسی و دکترای برنامه‌ریزی درسی است. وی یکی از افتخارات حوزه آموزش کشورمان است. بی‌تردید این معلمان فداکار قطره‌ای از دریای بیکران آموزش و پرورش و معلم‌هایی هستند که برای آموختن و آموختن از جان مایه می‌گذارند. معلم‌هایی که دنیا؛ رشد را به آنها مدیون است.

